

لزوم سلوک با استاد حق

www.ketab.ir

نگارنده:

مصطفی ستاروندی تاج احمدلو

سرشناسه: ستاروندی، مصطفی، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: لزوم سلوک با استاد حق / مصطفی ستاروندی تاج احمدلو

مشخصات نشر: تهران: مصطفی ستاروندی، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۱۴۹ ص.

شابک: 978-600-04-3275-1

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: خود سا - - جنبه های مذهبی - اسلام.

موضوع: الهیات

رده بندی کنگ: ۱۳۹۴، ۴/۲۵س/ BP۲۵۰

رده بندی دیویی: ۹۷/۶

شماره کتابشناسی ملی: ۶۸۲۹، ۲

شابک: 978-600-04-3275-1

عنوان: لزوم سلوک با استاد حق

پدید آورنده: مصطفی ستاروندی تاج احمدلو

حروفچینی: زهره پیریایی

ویراستار فنی: سربه محمدنژاد

صفحه آرای: زهره پیریایی

ناشر: مؤلف

نوبت چاپ: دوم، ناشر مؤلف اول

قطع: وزیری

شمارگان: ۲,۰۰۰ جلد

قیمت: ۷۵,۰۰۰ ریال

شماره تماس: ۰۹۱۲۱۰۴۲۸۴۳ - ۰۹۱۲۳۱۸۸۷۹۳

پست الکترونیکی: marefatbenooraniat@yahoo.com

وب سایت: www.marefatbenooraniat.ir

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	مقدمه.....
۱۹	لزوم وجود استاد حق در آیات و روایات.....
۳۰	صفات و ویژگی های اولیاء الله.....
۳۰	۱- عاقل و اهل تفکر.....
۳۲	۲- عیبی اعتنا به دنیا.....
۳۳	۳- اهل تقوا.....
۳۶	۴- بیوب و گمنام.....
۳۹	۵- متخلق به صفات حق و اهل شفقت.....
۴۱	۶- مؤمن منتحنه و اهل معرفت.....
۴۴	۷- مصلح و مریض.....
۴۶	۸- اهل شجاعت.....
۴۷	۹- اهل شفاعت، رحمت به خلق و آمرزش.....
۴۹	۱۰- بنده ی مخلص خداوند.....
۵۰	۱۱- از چیزی خوف و حزن ندارند.....
۵۱	۱۲- اهل یقین.....
۵۱	۱۳- اتصال به وجه الله.....
۶۲	۱۴- عبد خداوند.....
۶۴	۱۵- سلیم و محدث.....
۶۶	خطورات شیطانی.....
۶۸	الف) الهام و شهود شیطانی.....
۶۹	ب) خواب.....
۷۲	ج) نفس.....
۷۲	الهامات غیبی و رحمانی.....
۷۶	روایای صادق.....
۷۸	در خواب دیدن انبیا، رسول اکرم (ص)، ائمه (ع) و اولیاء الله.....
۸۰	خلاصه ی بحث.....
۸۰	تعبیر خواب.....
۸۲	بیان خواب به دیگران.....

۸۲	۱۶- حَبَّالَهِ
۸۳	۱۷- تحت حفاظت خاص خداوند
۸۴	۱۸- حصول فناءالله
۹۰	۱۹- کریم و اهل کرم
۹۰	۲۰- وفای به عهد و ثبات در پیمان
۹۰	۲۱- سکون و سکینه
۹۱	۲۲- وفار و هیبت
۹۱	۲۳- سخاوت طبع
۹۱	۲۴- دفع با به برکت وجود آنان
۹۲	۲۵- خشم ۱ راه رضای خدا
۹۲	۲۶- حلم
۹۲	۲۷- اهل مواسات
۹۳	۲۸- گذشت از ظلم کنندگان
۹۳	۲۹- فهم عمیق دردین
۹۴	۳۰- دیدارشان ما را به یاد خدا می اندازد
۹۵	۳۱- مزین به حزن الهی
۹۵	۳۲- ولایت
۹۵	ولایت تکوینی و مراتب آن
۹۹	ولایت تشریعی و مراتب آن
۱۰۴	روایت اول
۱۰۶	روایت دوم
۱۰۷	روایت سوم
۱۱۴	روایت چهارم
۱۱۵	روایت پنجم
۱۱۵	روایت ششم
۱۱۵	روایت هفتم
۱۱۵	روایت هشتم
۱۱۶	روایت نهم
۱۱۷	روایت دهم
۱۱۷	دیدگاه علما و فقهاء باب محدوده ی اختیارات فقیه در عصر غیبت

۱۲۱	نظریه ی نصب
۱۲۲	نظریه ی انتخاب
۱۲۲	ولایت مطلقه ی فقیه
۱۲۴	ادله ی موافقان اندیشه ی ولایت فقیه
۱۲۶	ویژگی های فقیه
۱۳۰	ویژگی های ولی فقیه از دیدگاه علما
۱۳۱	نتیجه ی بحث
۱۳۱	۱- نقش مرجعیت
۱۳۱	الف) بیان فتوا، بلاغ احکام الهی به مردم
۱۳۱	ب) رهبری و مدیریت جامعه انسانی و اجرای احکام دینی
۱۳۲	تفاوت فتوا و حکم حاکم
۱۳۲	تعارض فتوا با حکم حاکم
۱۳۳	۲- نقش اولیای خدا
۱۳۳	روش های معرفی استاد حق و رسالت به تئیس حرفتی
۱۳۴	الف) توسط آیات و روایات
۱۳۶	ب) توسط ائمه اطهار(ع)
۱۳۷	توفیق ملاقات و ارتباط با امام زمان(عج)
۱۳۹	دیدن معصومین(ع) در خواب
۱۴۰	ج) توسط استاد حق
۱۴۰	پذیرش شاگرد توسط استاد
۱۴۱	تضمین الهی به پیوندگان واقعی حق و حقیقت
۱۴۳	حق عالم و استاد حق
۱۴۵	منابع و مأخذ

پیشگفتار

همه چیز از اولین سفرم به شهر مقدس قم در سن دوازده سالگی و در سحرگاه قبل از زیارت حضرت فاطمه معصومه (س) آغاز شد...

قلبم مملو از محبت و تشنه‌ی دانستن معارف حقّه شد و به مرور شروع به طرح سؤالاتی اساسی کردم: من کیستم؟ غایت معرفت مخلوق تا کجاست؟ چگونه شناخت انسان منتهی به شناخت خالق می‌شود، با این که وجه اشتراکی میان‌شان نیست؟ معرفت الله یعنی چه؟ آیا فرمایش مولایم علی (ع) که فرمود: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» امری محال و غیر ممکن نیست؟ مفهوم و محتوای ثابت از راه‌های قلب، ایمان، تقوا، نیت و... چیست؟ تقوا چه مخلوقی است که به واسطه‌ی کسب آن، آثاری نظیر صفات متّقین (در خطبه‌ی هشام) از انسان بروز می‌کند؟ دایره‌ی خلقت از ابتدا تا انتها در سه حیزی مرکزیت دارد؟ راه رسیدن به معرفت کلّ خلقت کائنات و معرفت حقیقی به وسیله‌ی کدام راه و آخر چگونه ممکن است؟ هدف از خلقت چه بوده است؟ و سؤالات بیشمار دیگری که هر چه تفحص کردم کمتر یافتم و هر چه بیشتر پرسیدم دورتر شدم، تا این که پس از سال‌ها تکرار و توسل و به مدد تفضّل الهی در بیست سالگی نگاهی مهربان به من آموخت: «علم به کثرت آموختن نیست بلکه آن نوری است که خداوند در دل هر کس که بخواهد می‌افکند»^۱

فهمیدم که نام گم‌شده‌ی من معرفتی است که به نور مثال زده شده، بدان که مولای دو جهانم حضرت علی (ع) خطاب به دو یار وفادارش سلمان و ابوذر (رحمتهم علیهما) فرمود:

«مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ مَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمَعْرِفَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَعْرِفَتِي بِالنُّورَانِيَّةِ وَهُوَ السِّدِّيقُ الْخَالِصُ»^۲

۱- قال رسول الله (ص)، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۱۴۰

۲- بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱

لذا دریافتم معرفت حقیقی، معرفتی است به نام «معرفت به نورانیت امام(ع)» ولی امام(ع) در ادامه ی روایت اضافه فرموده اند که هر کسی تاب و تحمل آن را ندارد مگر سه گروه: پیامبر مرسل، فرشته ی مقرب و مؤمنی که خداوند قلبش را همه گونه امتحان کرده باشد.

پس به فراست دریافتم که راه وصول به چنین موهبت و نعمت عظیمی بسیار دشوار است، تا آن جا که بین تمامی انسان های ژرف اندیش و سالک، فقط عده ی بسیار قلیلی همچون سلمان(رض) موفق به درک آن شده اند و این ممکن نیست مگر با تمسک به ثقلین و این است چراغ راهنمای بنده ی شناخت و مسیر معرفت.

اما پیرایه ی موفقیت از آن عده ی اندکی شده و سرّ موفقیت آنان چه بوده است؟ سرانجام با توسل، تفکر و تفحص الهی، دریافتم که نیاز به عامل سوم است که ثقلین هم به آن اشاره نموده اند و در این عصر در متن این رساله، توضیح کافی و وافیه داده شده است و آن موهبتی الهی است که از جانب حضرت حق به آنان که دوستان دارد عطا می شود و مخلوقی عظیم است که نخستین مخلوق رحمان و خارج از حیطه ی وجودی ماست و آن ضیایی است به نام «نور لُبّ» که به دست حجت رانان به ابر حاکمیت حق به هر کس که او بخواهد عطا می شود. پس سالک می بایست تحت روش سرّی به نام «روش لُبّ» به کشف حقایق آیات و روایات برسد و آیات را منطبق بر سلیقه ی خود تأویل نماید تا به فرقان برسد.

به مدد این روش، سالک هم از کل به جزء و هم از جز به کل حرکت می کند و با دیدی ژرف به این مهم می رسد که درک صحیح «حقیقت» بدون «کل» حقیقت ناممکن و ناقص است.

از آن جا که انتشار این مجموعه، حرکتی نوپا و پیشگامانه برای هضم و معرفت بر معارف الهی و نیز نگرشی ژرف در معارف گران قدر اهل بیت(ع) در عصر حاضر می باشد، همانند هر آغازی نمی تواند خالی از ضعف و اشکال باشد. لذا متمنی است، ژرف اندیشان و اکابر اهل علم و معرفت، در این اثر به دیده ی اغماض نگرسته و با راهنمایی ها و پیشنهادهای سازنده ی خود، نگارنده را در بازدهی بهینه ی این مجموعه، مساعدت و یاری نمایند.

از خداوند متعال مسئلت دارم این قطره ی ناچیز از علم بیکران «رأسخون فی العلم» خود
را (با نیتی خالص) از روی لطف و مَنّت از این بنده ی سراپا تقصیر بپذیرد و فرج منجی بشریت
و قطب عالم امکان را هرچه سریع تر امضا فرماید. (إن شاء الله تعالی)

مصطفی ستاروندی تاج احمدلو

اول رجب ۱۴۳۱ ه.ق

www.ketab.ir

مقدمه

رساله‌ی معرفت به نورانیت در هفت مجموعه به شرح زیر در حال تهیه است:

۱- لزوم سلوک با استاد حق

این کتاب در راستای کلام نورانی امام محمد باقر (ع) که فرموده‌اند: «یکی از شما برای مسافرت چند فرسخی خود، دلیل طلب می‌کند و حال آن که تو از راه‌های آسمان نسبت به زمین بی اطلاع تری، پس برای خود راهنمایی بطلب»^۱، باتوجه به ادله‌ی قرآنی و روایی، لزوم سلوک سالک با اولی‌ای خدا را مشخص نموده و به بیان ویژگی‌های این بزرگان می‌پردازد.

۲- نور الاحتجاج

با معرفی روش سالک عقلانی ما را به اثبات حقایق می‌رساند ولی نه بر اساس عقلی که علمش کامل نیست و خطا می‌کند، بلکه تفکر صحیح را بر اساس چارچوبی مصون از خطا پیدا کرده و صحیح و غلط را با اتکال به عقل کل تشخیص می‌دهد. این مجموعه با ارائه‌ی شیوه‌های نوین استدلالی که منطبق با عذر حاضر بوده، با به کارگیری روش لب و به مدد خصلت‌های ملکوتی و قوانین و اصول پایه در هر شی، سعی در اثبات اصول دین و واقعیت‌های عینی در هستی و اثبات هدفمند بودن خلقت و کشف یک سلسله حقایق ارزنده از دیدگاهی کاملاً جدید را دارد تا بدین وسیله بتواند علوم عقلی قدیم را به سیرت فلسفه‌ی لب، کلام لب و منطق لب معرفی کرده و معرفت معرفت باشد.

۳- نور العمل

این کتاب رساله‌ی عملی است و نحوه‌ی سیر و سلوک عملی بر اساس «لوح منطبق بر زمان» را بیان می‌نماید و به سالک نحوه‌ی رسیدن به خلوت، دائم الذکر شدن و چگونگی دریافت انوار عرشیه (معرفت الله) و درک دانش دین (علوم ادراکی) را می‌آموزد. بخشی از علوم از طریق آموزش کسب می‌شود ولی بخشی از آن مانند این انوار الهی که از جنس «هدی» من ربهم هستند را نمی‌توان کسب کرد، بلکه خداوند به قلب هر کس که بخواهد می‌افکند.

خداوند در کلام نورانی اش و همچنین با قرار دادن الگوهای عملی (اهل بیت(ع)) چارچوب رسیدن به خلوت دل و خالی شدن از رذایل و کبایر را مشخص نموده است.

۴- نورالمعرفت

با بیان سلوکی معرفتی، تمام حقایق و واقعیت های کوانتومی چهل گانه را از دیدگاه هویتی، ماهیتی، ملکوتی و همچنین از لحاظ خلقی و امری، خلقت نوری چهارگانه، خلق ساکن و برانگیخته، بیان نموده و آدرس های کسب معرفت به نورانیت امام(ع) را به طور مجمل بیان می نماید و دیدگاهی کلی از مسیر سلوک را به سالک ارائه می دهد و به این وسیله راهی به سوی معرفت الهی می گشاید. این روش سلوکی کم تر مطرح بوده و علت درست عمل نکردن بسیاری از افراد در مسیر سلوک این بوده است که قادر به دیدن کل حقایق و ارتباط آن ها با حقایق هم جنس درونی شان نشده اند. انسان میکروفیلم عالم هستی است و از هر جنس و نوعی که در عالم بیرون از او وجود دارد و درون او نیز وجود دارد، اگر در بیرون از انسان عالم جرم، مثال، اثری و... وجود دارد، در او نیز پیکره ی مادی، مثالی، روحی و... هست. اگر این نوع سلوک نباشد، درک معرفت به نورانیت امام معصوم(ع) ممکن نیست. تا آدمی کل را نبیند، نمی تواند مختصات خود را در عالم هستی پیدا کند. بخشی از معرفت النفس و درک توحید، درک ارتباط بین اجزای درونی انسان با عوالم هم جنس بیرونی اوست و اسم اعظم نیز اشاره به همین معنا دارد. این سلوک با بیان مراحل خلقت و عوالمی که انسان از ابتدا تا قیامت طی می کند و ارائه دید کلی نسبت به عالم هستی، مفهوم کل هستی را به انسان می فهماند. دانشمندان هنوز قادر به درک عظمت آسمان اول نشده اند چه برسد به درک عظمت آسمان های هفت گانه، کرسی، عرش و... که این امر نشان دهنده ی علم ناقص و اندک بشر است. پس هیچ کس نمی تواند ادعا کند به علم کل رسیده است. درک این عظمت و تحیر در برابر آن بسیار زیبا و امری کاملاً توحیدی است و در سایه ی سلوک معرفتی حاصل از کلام قرآن و عترت میسر است.

۵- نورالاسرار

اشاره به رابطه‌ی بین اجزای سازنده‌ی انسان و واقعیت‌های موجود در هستی نموده و سعی در تفهیم و درک اسم اعظم الهی و کیفیت وصول به توحید ادراکی را دارد که با معرفت امام(ع) به نورانیت، راهی را به سوی معرفت الله و درک علم عرش (در باطن غیب) می‌گشاید. در این روش سلوکی، سالک مراتب آگاهی ده گانه و نحوه‌ی درک حقیقت و من حقیقی خود را با دانشی لذتی‌آمیز و به درک هدفمند بودن خلقت و همچنین مراحل ده‌گانه‌ی آگاهی رسیده و درمی‌یابد که در هر مرحله چگونه باید عمل کند و با عمل به تکلیف هر مرتبه‌ی نفسانی به توحید آن نفس می‌رسد.

۶- نورالانوار

این مجموعه، تفسیر از آن مجید ایدگاه معرفت به نورانیت ائمه اطهار(ع) و با استعانت از ابزار کب و منطق بر زمان است.

۷- نورالفقاهه

به طرح اصول فقه با توجه به مقتضیات زمان، بخصوص در عصر ظهور می‌پردازد که همان بحث فقاهت در عصر ظهور است.

علاوه بر مجموعه‌ی هفت قسمتی معرفت به نورانیت، استفاده از سخنان کوتاه و کلیدی که مزیت برجسته‌ی سخنان ائمه اطهار(ع) است و با توجه به مقتضیات زمان، با تألیف کتاب‌های جیبی و با بیانی ساده، مفاهیم عمیق و اصلی سلوک منطبق بر زمان، به خواست خداوند و عنایت اهل بیت(ع) بر مؤمنین، خصوصاً نوجوانان عزیز که بسیار مورد توجه ائمه اطهار(ع) هستند، گشوده می‌شود. از جمله این کتاب‌ها می‌توان به درس‌هایی از شیطان و رساله ذهبیه و کلیات طب اهل بیت(ع) اشاره کرد.